موضوع: درباره ولادت امیرالمومنین (ع) در منابع اهل سنت

درباره ولادت امیرالمومنین (ع) در منابع اهل سنت

در این جلسه به بیان چند جمله درباره ولادت و فضایل امیرالمومنین (ع) از منابع اهل سنت که در کتاب «موسوعه الامامه فی نصوص اهل السنه» جمع آوری شده است، می پردازیم. این کتاب توسط گروهی زیر نظر حجت الاسلام سید محمود مرعشی انجام شده است.

خلقت نوری امیرالمومنین (ع) و یگانه بودن آن با نور پیامبر اکرم (ص)

در این دسته از روایات، بیان شده که نور امیرالمومنین (ع) و نور رسول گرامی اسلام (ص) واحد بوده و بعدا دو شعبه پیدا کرده است. این روایات از ده نفر از صحابه نقل شده است که عبارتند از: انس بن مالک، جابر بن عبدالله انصاری، امام حسین (ع)، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، ابوسعید خدری، ابو سلماء، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر و ابوهریره.

روایت جابر از این قرار است: «أخبرنا أحمد بن محمّد بن إسماعيل الفارسي، حدّثنا فاروق الخطابي، حدثنا الحجاج بن المنهال عن الحسن ابن مروان بن عمران الغنوي عن شاذان بن العلاء، حدّثنا عبد العزيز بن عبد الصمد عن مسلم بن خالد المكي المعروف بالزنجى عن أبى الزبير عن جابر بن عبد اللّه، قال: سألت رسول اللّه صلّى اللّه عليه و آله و سلّم عن ميلاد علىّ بن أبي طالب، فقال: لقد سألتنى عن خير مولود ولد في شبه المسيح عليه السّلام، إن اللّه تبارك و تعالى خلق عليّا من نوري و خلقني من نوره و كلانا من نور واحد، ثمّ إنّ اللّه عزّ و جل نقلنا من صلب آدم عليه السّلام في أصلاب طاهرة إلى أرحام زكية فما نقلت من صلب إلّا و نقل علىّ معى فلم نزل كذلك حتّى استودعني خير رحم و هي آمنة، و استودع عليّا خير رحم و هي فاطمة بنت أسد،»: پیامبر اکرم (ص) در جواب سوال جابر که درباره ولادت امیرالمومنین (ع) سوال کرد فرمود: درباره بهترین مولود از من سوال کردی. خدای متعال من و علی را از یک نور آفریده است و سپس این نور را از صلب آدم و فرزندان طاهرین او از صلبی به صلب دیگر منتقل کرد و در آن اسلاف، نور من و علی با هم یکی بود و ما پیوسته اینگونه بودیم تا من را در پاک ترین رحم یعنی حضرت آمنه و علی (ع) را در پاک ترین رحم یعنی فاطمه بنت اسد قرار داد.

این مضمون از صحابه دیگر نیز نقل شده است از جمله در روایت امام حسین (ع) آمده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: « كنت أنا و عليّ نورا بين يدي اللّه تعالى من قبل أن يخلق آدم بأربعة عشر ألف عام فلما خلق اللّه آدم سلك ذلك النّور في صلبه فلم يزل اللّه ينقله من صلب إلى صلب حتّى أقرّه في صلب عبد المطلب ثمّ أخرجه من صلب عبد المطلب و قسّمه قسمين قسما في صلب عبد اللّه و قسما في صلب أبي طالب فعليّ منّى و أنا منه لحمه لحمى و دمه دمي فمن أحبّه فبحبي أحبه و من أبغضه فببغضي أبغضه»[[1]](#footnote-1): نور من و علی در پیشگاه الهی چهارده هزار سال قبل از اینکه آدم (ع) خلق شود وجود داشت. (این اعداد بیان زمان بسیار طولانی است). خداوند وقتی آدم را خلق کرد، آن نور در صلب او قرار داد و این نور از اصلاب یکی به دیگری منتقل شد تا اینکه در صلب عبدالمطلب قرار گرفت و بعد دو قسم شد، قسمی در صلب عبدالله و قسمی در صلب ابوطالب قرار گرفت. پس علی از من است و من از علی هستم، گوشت او گوشت من و خون او خون من است. کسی که او را دوست بدارد من را دوست داشته و هر کس با او دشمنی کند با من دشمنی کرده است.

طینت یگانه خلقت امیرالمومنین (ع) و پیامبر اکرم (ص)

این دسته روایات از صحابه متعددی نقل شده است از جمله انس بن مالک، بریده اسلمی، ابوهریره و حضرت امام باقر (ع).

«عن بريدة قال بعث رسول اللّه صلّى اللّه عليه و سلّم عليا أميرا على اليمن ... فقال ما بال أقوام ينتقصون عليا من تنقص عليا فقد تنقصني و من فارق عليا فقد فارقني ان عليا منى و انا منه خلق من طينتي و خلقت من‏ طينة إبراهيم ... ‏»: بریده می گوید: پیامبر اکرم (ص)، علی (ع) را به عنوان امیر به یمن فرستاد.... بعد آن حضرت فرمود: چه شده که بعضی درباره علی (ع) دنبال نقصی می گردند تا برای او بیان کنند؟ هرکس بخواهد مقام و شان او را پایین آورد، مقام و شان مرا پایین آورده است. و اگر کسی از علی جدا شود از من جدا شده است. او از من است و من از او هستم. او از طینت من است و من از طینت ابراهیم هستم (یک منشا برای خلقت ما وجود دارد).

پیامبر (ص) و علی (ع) از یک شجره

این دسته روایات از ابو امامه باهلی، انس بن مالک، جابر ابن عبدالله انصاری و ابوسعید خدری نقل شده است.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: «إنَّ اللَّهَ تَعالى‏ خَلَقَ الانْبياءَ مِنْ أَشْجارٍ شَتّى‏ وَ خَلَقَ أَنَا وَ عَلِيّاً مِنْ شَجَرَةٍ واحِدَةٍ فَأَنَا أَصْلُها وَ عَلِيٌّ فَرْعُها وَ فاطِمَةُ لِقاحُها وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِمارُها وَ أَشْياعُنا أَوْراقُها، فَمَنْ تَعَلَّقَ بِغُصْنٍ مِنْ أَغْصانِها نَجا وَ مَنْ زاغَ عَنها هَوى‏ وَ لَوْ أَنَّ عبداً عَبَدَ اللَّهَ بَيْنَ الصَّفا وَ الْمَرْوَةِ الْفَ عامٍ ثُمَّ الْفَ عامٍ ثُمَّ الْفَ عامٍ حَتَّى يَصيرَ كَالشَّنِّ الْبالي ثُمَّ لَمْ يُدْرِكَ مَحَبَّتَنا كَبَّهُ اللَّهُ عَلى مِنْخَرَيْهِ فِي النّارِ ثُمَّ تَلا: «قُلْ لا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى‏»»[[2]](#footnote-2): خداوند ريشه‏هاى پيامبران را از هم جدا آفريد، ولى من (پيامبر اسلام) و على از يك ريشه و يك درخت هستيم، من ريشه اين درخت و على به منزله شاخه‏هاى آن است، و فاطمه جنبه تلقيح و نطفه‏بندى آن را دارد و حسن و حسين ميوه‏هاى اين درخت پربركت، و شيعيان ما هم به منزله برگهاى اين درخت مى‏باشند. اگر بنده‏اى از بندگان ما در بين صفا و مروه هزار سال عبادت كند، و دوباره هزار سال ديگر عبادت كند و در مرحله سوم نيز هزار سال عبادت كند (يعنى در مجموع سه هزار سال عبادت كند) بگونه‏اى كه همچون مشك كهنه خشكيده‏اى شود، ولى محبّت و مودّت ما را درك نكند (اين عبادتها هيچ سودى براى او ندارد، بلكه) خداوند او را به رو در آتش جهنّم مى‏اندازد! سپس پيامبر آيه مودّت را تلاوت فرمودند.

بیان ولادت امیرالمومنین (ع)

از جابر بن عبدالله، عکرمه و دیگران نقل شده است.

«عن جابر بن عبد اللّه، قال: سألت رسول اللّه صلى اللّه عليه و آله عن ميلاد علي بن ابي طالب فقال: لقد سألتني عن خير مولود ولد في شبه المسيح عليه السّلام إن اللّه تبارك و تعالى خلق عليا من نوري و خلقني من نوره، و كلانا من نور واحد، ثم إن اللّه عز و جل نقلنا من صلب آدم عليه السّلام في اصلاب طاهرة الى ارحام زكية فما نقلت من صلب إلا و نقل علي معي، فلم نزل كذلك حتى استودعني خير رحم و هي آمنة، و استودع عليا خير رحم و هي فاطمة بنت أسد و كان في زماننا رجل زاهد عابد يقال له المبرم بن دعيب بن الشقبان، قد عبد اللّه تعالى مائتين و سبعين سنة لم يسأل اللّه حاجة، فبعث اللّه إليه ابا طالب فلما ابصره المبرم قام إليه و قبل رأسه و أجلسه بين يديه، ثم قال له من أنت؟

فقال: رجل من تهامة، فقال: من أي تهامة؟ فقال: من بني هاشم، فوثب العابد فقبل رأسه ثانية، ثم قال: يا هذا إن العلي الأعلى ألهمني إلهاما قال: ابو طالب و ما هو؟ قال: ولد يولد من ظهرك و هو ولي اللّه عز و جل فلما كان الليلة التي ولد فيها عليّ اشرقت الأرض، فخرج ابو طالب و هو يقول: أيها الناس ولد في الكعبة ولي اللّه عز و جل، فلما اصبح دخل الكعبة و هو يقول:

يا رب هذا الغسق الدجى و القمر المنبلج المضي‏

بين لنا من أمرك الخفي ما ذا ترى في اسم ذا الصبي‏

قال فسمع صوت هاتف يقول:

يا اهل بيت المصطفى النبي خصصتم بالولد الزكي‏

إن اسمه من شامخ العلي علي اشتق من العلي‏»[[3]](#footnote-3)

جابر بن عبدالله می گوید: از پیامبر اکرم (ص) درباره ولادت علی (ع) سوال کردم، فرمود: از بهترین مولود سوال کردی. فرد عابدی بود که 270 سال خدا را عبادت کرده بود و از خداوند چیزی نخواسته بود، تا اینکه از خدا خواست که ولی او را بشناسد. خدای متعال حضرت ابوطالب را به سوی او فرستاد. عابد جلوی پای او بلند شد و صورتش را بوسید و جلوی او نشست و سوال کرد: شما که هستید؟ گفت: مردی از سرزمین مکه و از قبیله بنی هاشم هستم. عابد بلند شد و مجدد سر او را بوسید و گفت: خداوند متعال مطلبی را به من الهام کرده و آن اینکه برای تو فرزندی به وجود می آید که ولی خدا است. شبی که امیرالمومنین (ع) در آن شب به دنیا آمد، زمین نورانی شد و ابوطالب از منزل بیرون آمد و می گفت: در خانه کعبه ولی خدا به دنیا آمد. صبح که شد ابوطالب وارد کعبه شد و این شعر را می خواند:

ای پروردگار این شب تاریک و این ماه نورانی. برای ما از آنچه پنهان است آشکار کن که نام این کودک را چه بگذاریم؟ صدای هاتفی را شنید که می گفت: ای اهل بیت پیامبر (ص)، شما به فرزند پاکی اختصاص داده شده اید که اسم او از اسم خداوند متعال مشتق شده و نام او علی است.

تولد امیرالمومنین (ع) در کعبه از اختصاصات آن حضرت است و در روایات فراوانی آمده است. در نقل مشهوری آمده است که فاطمه بنت اسد هنگامی که طواف می کردند، گرفتار درد زایمان شدند. ایشان از خدای متعال درخواست می کند و به طفل در رحم خود متوسل می شود تا این مشکل برای او آسان شود. ناگهان دیوار کعبه شکافته شده و ایشان وارد خانه کعبه شده و سه روز در آنجا می ماند و در آنجا امیرالمومنین (ع) متولد می شود.

ابن ابی الحدید در شرح این سخن امیرالمومنین (ع) که فرموده است: «من بر فطرت به دنیا آمده ام»، می گوید: « و مراده هاهنا بالولادة على الفطرة أنه لم يولد في الجاهلية لأنه ولد ع لثلاثين عاما مضت من عام الفيل و النبي ص أرسل لأربعين سنة مضت من عام الفيل و قد جاء في الأخبار الصحيحة أنه ص مكث قبل الرسالة سنين عشرا يسمع الصوت و يرى الضوء و لا يخاطبه أحد و كان ذلك إرهاصا لرسالته ع فحكم تلك السنين العشر حكم أيام رسالته ص فالمولود فيها إذا كان في حجره و هو المتولي لتربيته مولود في أيام كأيام النبوة و ليس بمولود في جاهلية محضة ففارقت حاله حال من يدعى له من الصحابة مماثلته في الفضل ‏و قد روي أن السنة التي ولد فيها علي‏ ع هي السنة التي بدئ فيها برسالة رسول الله ص فأسمع الهتاف من الأحجار و الأشجار و كشف عن بصره فشاهد أنوارا و أشخاصا و لم يخاطب فيها بشي‏ء و هذه السنة هي السنة التي ابتدأ فيها بالتبتل و الانقطاع و العزلة في جبل حراء فلم يزل به حتى كوشف بالرسالة و أنزل عليه الوحي و كان رسول الله ص يتيمن بتلك السنة و بولادة علي ع فيها و يسميها سنة الخير و سنة البركة و قال لأهله ليلة ولادته و فيها شاهد ما شاهد من الكرامات و القدرة الإلهية و لم يكن من قبلها شاهد من ذلك شيئا لقد ولد لنا الليلة مولود يفتح الله علينا به أبوابا كثيرة من النعمة و الرحمة»[[4]](#footnote-4).

ابن ابی الحدید می گوید: مقصود این کلام امیرالمومنین (ع) این است که ایشان در زمان جاهلیت به دنیا نیامده اند. توضیح اینکه ایشان 30 سال بعد از عام الفیل به دنیا آمد و پیامبر اکرم (ص) چهل سال بعد از عام الفیل به پیامبری مبعوث شد. در روایات صحیحه آمده که پیامبر اکرم (ص)، ده سال قبل از بعثت، صدای غیبی را می شنید و نور الهی را می دید و این امر پایه ریزی برای رسالت ایشان بود (ارهاص: خوارق العادات قبل از بعثت را گویند). برای آن حضرت این ده سال حکم رسالت ایشان را داشت. پس مولودی که در این ده سال به دنیا آمده و در دامن پیامبر (ص) تربیت شده باشد، در حقیقت در زمانی به دنیا آمده که حکم ایام نبوت را دارد. این ویژگی امیرالمومنین (ع) و از فضایل ممتاز آن حضرت است.

در روایت آمده است که وقتی امیرالمومنین (ع) متولد شده صدای ذکر و توحید را از سنگ ها و درخت ها می شنید. در این سالی که امیرالمومنین (ع) به دینا آمد، پیامبر اکرم (ص) در کوه حرا از مردم عزلت اختیار کرده و در آنجا عبادت می کرد تا به رسالت مبعوث شد. پیامبر اکرم (ص) به ولادت امیرالمومنین (ع) تیمم می کرد و آن را سال خیر و برکت می دانست، و در شب ولادت امیرالمومنین (ع) می فرمود: در این شب چیزهایی را مشاهده کردم که قبلا مشاهده نکرده بودم و لذا می فرمود: امشب مولودی متولد شده که خداوند به واسطه او درهای بسیاری از رحمت را به روی ما گشوده است.

مولود کعبه

گویم از مدح ولی کردگــــــار مرتضـــــی آن راد مرد روزگار

آن که اندر کعبه شد نورش عیان کس ندیده این سعادت در جهان

باب علم احمد مختــــار اوست مخزن و گنجینه اسرار اوســت

آن که حق اندر وجودش منجلی ناصر دین نام نیکویش علــــی

فاتح باب ولایت مرتضــــاست فالق صبح امامت مرتضـــاست

در عبادت شهره شد در روزگــار عاشق شیدای ذات کردگـــــار

مخلـص و آزاد از قیــــد هوی مخلصان را تا ابد او مقتــــدی

عدل او عدل خدا را مظهـر است عالم خلقت صدف، او گوهر است

صبر حیدر راستی بهـت آور است صابران را پیشوا و رهبر اســـت

در سخاوت شهره آفـــــاق شد در فضائل جملگی او طاق شــد

مکر دشمن چون به او احمد بگفت جان بکف بنهاد و بر جایش بخفـت

لافتی الا علی او را مــــــدال داده شد اندر احد از ذوالجـــلال

نام او مشتق ز عالی شــد از آن کو بود معیار حق اندر جهــــان

گر بشر گویم علی را این جفاست ور خدا دانم مر او را هم خطاست

لیک گویم او ولی کبریاســـــت سرور و سالار جمله اولیاســـت

تالی احمد به دنیا حیدر اســــت ساقی کوثر به عقبی حیدر اسـت

مظهر اوصاف ذات کبریـــاست جمله خوبان کاه و حیدر کهربــاست

یار مظلومان و محرومان عــلی دشمن جمله ستمکاران علـــی

مهربان بر کودکان بی پـــــدر دست رأفت می نهادیشان به سر

مستمندان را علی غم خوار بــود دل پریشان را علی دلدار بـــود

آن که غران بود گاه کـــار و زار او یدالله بود و شیر کردگـــــار

شب که بودند مردمان اندر نیــام مرتضی اندر سجود و در قیـــام

کس نبودی محــــرم اسـرار او راز خود می کرد با چَه باز گـــو

گفت با دنیا: علی را واگــــــذار مرد حق را با غم دنیا چه کـــار

من فقط دل بر خدایم بستــه ام علقه های غیر او بگسســـته ام

جان خود را از هواها شستــه ام من به معشوق ازل پیوستـــه ام

ای که داری عشق حیدر بر دلت می کنی با نــام او حل مشکلت

گر که عزت خواهی و آزادگـــی سر فرازی، شوکت و بالندگـــی

از علــــــی (ع) آموز درس زندگی تا بیـــابی راه و رســـــــم بندگی

منطق او حکمت و عدل است و علم زهد و ایثار و فداکاری و حلـــم

صبر و تقوی،‌جود و احسان و وفا راستی، مردانگی، صـدق و صفـا

جانفشانـی در ره دیـــن خـــدا دشمنی با ظالمان و اشقیـــــاء

بایدت اخلاص باشد در عمـــل تا شوی محبوب معبـــــود ازل

مرتضی معیار حق است الکــلام باشد این جمله مرا حسن ختـام[[5]](#footnote-5)

﴿.....﴾ اللهم صل علی محمد و آل محمد

1. المناقب خوارزمی، فرائد السمطین، حموینی و منابع دیگر [↑](#footnote-ref-1)
2. نقل از طبرانی، کفایه الطالب، گنجی شافعی، ر.ک: موسوعه، ج6 [↑](#footnote-ref-2)
3. گنجی شافعی، کفایه الطالب [↑](#footnote-ref-3)
4. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، شرح خطبه 56، ج4، ص 114 [↑](#footnote-ref-4)
5. شعر از حضرت استاد ربانی گلپایگانی [↑](#footnote-ref-5)